

خلل در وقوفین با رویکردی بر آراء امام خمینی (س) و تطبیق بر مذاهب اهل سنت

محسن اسماعیلی^۱

محمدقدرتی^۲

چکیده: پژوهش حاضر با هدف تحلیل و نقد دیدگاه فقهای امامیه با محوریت آراء امام خمینی و فقهای اهل سنت در خصوص خلل در وقوفین (عرفات، مشعر) نگاشته شده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار از نوع کتابخانه‌ای به بررسی خلل و آسیب‌هایی که به اجزاء وقوفین وارد می‌شود، پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در فقه امامیه اگر خلل عمدی به نیت، زمان، مکان و کیفیت وقوفین وارد شود، با توجه به اصل اولی، موجب بطلان وقوفین و نهایتاً بطلان حج می‌شود، خواه خلل وارده نقیصه باشد، خواه زیاده. ولی در صورت معذور بودن در برخی از اجزاء خللی به صحت وقوفین و حج وارد نمی‌شود. در فقه اهل سنت نیز در وقوف عرفات هرگونه خلل عمدی به شرایط وقوف، موجب بطلان وقوف عرفات و حج می‌شود، ولی در وقوف مشعر به دلیل رکن نبودن آن، در صورت وارد شدن خلل عمدی یا سهوی موجب بطلان وقوفین و حج نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: خلل، وقوف، عرفات، مشعر، امام خمینی، مذاهب اهل سنت.

* نویسنده مسئول، رایانامه: esmaeili1344@ut.ac.ir

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره) پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

اسلام دارای ارکانی است که بر آنها قوام یافته است. یکی از این ارکان حج تمتع است که از بزرگ‌ترین فریضه‌های الهی و دارای قدمتی طولانی می‌باشد که در آن مسلمانان جهان در مکان و زمان خاصی به انجام مناسک آن مشغول می‌شوند. با توجه به اهمیت و قدمت حج، فقهای متقدم و متأخر امامیه و اهل سنت به بیان مناسک و احکام آن پرداخته‌اند. از ارکان حج، وقوف به عرفات و وقوف به مشعر می‌باشد.^۱ با بررسی‌های صورت گرفته تا کنون پژوهشی به‌طور مستقل درباره خلل در وقوفین با رویکرد تطبیقی و تأکید بر آراء امام‌خمينی نگارش نشده است، با توجه به اهمیت و رکن بودن وقوفین در حج از دیدگاه امامیه و ضرورت شناخت اخلال در آن و آرای امام‌خمينی در این خصوص، نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با ابزار از نوع کتابخانه‌ای به دنبال تحلیل تطبیقی خلل در وقوفین (عرفات-مشعر) با تأکید بر آراء امام‌خمينی می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم برخی از واژگان کلیدی پژوهش عبارتست از:

۱-۱. وقوف

وقوف در لغت به معنای ایستادن، بازایستادن، آگاه شدن، شک کردن، حاضر بودن به وقت وقوف به عرفات است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۴۳۶) و در اصطلاح حج به معنای ماندن در عرفات و مشعر الحرام می‌باشد. وقوفین به معنای دو وقوف که منظور وقوف در عرفات و در مشعر می‌باشد. (فکری، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

۱-۲. عرفات

عَرَفَات^۲، از ریشه عَرَفَ گرفته شده که مصدر آن عرفان و معرفت است (جوهری، ۱۳۹۹، ج ۴: ۱۴۰۱) و بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبیر است. (زبیدی، ۱۴۰۸، ج ۲۴: ۱۳۳) در نام‌گذاری سرزمین عرفات به این نام دلایل گوناگونی ذکر کرده‌اند:

^۱ - در آیات ۱۹۹ و ۱۹۸ سوره بقره (فَإِذَا أَقْتَمْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُمْ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ). به سه موقف عرفه، مردلفه و سرزمین منی از موافق حج اشاره شده است.

^۲ - بیش‌ترین فاصله عرفات از شهر قدیمی مکه حدود بیست و دو کیلومتر است، در روایات محل وقوف در عرفات را با نقاطی که در آن زمان مشخص و شناخته شده بوده معین کرده‌اند. مانند: الف: نَمْرَةَ: کوهی است که علامات حرم بر او است و از حدود حرم است. ب: تَوَيْه: حدی از حدود عرفات است و جزء آن نیست. ج: ذُو الْمَجَاز: موضعی است در عرفات که از حدود عرفه است. د: عُرَيْه: موضعی است در عرفه که از موقف محسوب نمی‌شود. ه: اَرَاك: موضعی

- ۱- هنگامی که پیک وحی خداوند جبرئیل مناسک حج را در آنجا به ابراهیم(ع) نشان داد، ابراهیم فرمود: «عرفت، عرفت» (شناختم- شناختم) لذا آنجا را عرفات گفتند.
- ۲- این داستان برای آدم(ع) واقع شد.
- ۳- آدم(ع) و حوا در آن سرزمین یکدیگر را پیدا کردند و شناختند.
- ۴- زوار خانه خدا در آنجا یکدیگر را می بینند و می شناسند.
- ۵- این سرزمین محیط بسیار آماده‌ای برای معرفت پروردگار و شناسایی ذات پاک اوست. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۱۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۰)

۳-۱. شعر

مشعر^۳ بر وزن مفعّل و از مادّه شعور است که به معنای محل شعور و معرفت و آگاهی معنوی است و جمع آن مشاعر است که به محل عبادت گفته می شود. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۴۸) همچنین به آن «مزدلفه»^۴ نیز می گویند که از «ازدلف» به معنای قرب و نزدیک شدن گرفته شده است و مردم در آنجا به هم نزدیک می شوند و «جمع»^۵ نیز می گویند، به سبب آنکه آدم(ع) و حوا در آنجا اجتماع نمودند. (علی محمدی، بی تا، ج ۱: ۳۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۱؛ حلی، بی تا، ج ۱: ۳۴۰)

۴-۱. خلل

در لغت معانی مختلفی برای خلل از جمله فساد، (جوهری، ۱۳۹۹، ج ۴: ۱۶۸۷) وهن، نقص، اضطراب و شکاف بین دو چیز ذکر شده است. (زبیدی، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۰۶؛ راغب، ۱۴۳۱: ۲۹۰) از دیدگاه امام خمینی این معانی، مصادیق خلل می باشند و معانی مختلفی برای خلل محسوب نمی شوند و هرگاه در ماهیت ترکیبی اعم از حقیقی

است در عرفه از ناحیه شام نزدیک نمره. (علی محمدی، بی تا، ج ۱: ۳۱۳) وقوف باید در درون مناطق محل وقوف باشد یعنی مناطق و مکان‌های مذکور از حدود محل وقوف شمرده می شوند ولی جزء موقف به حساب نمی آیند به همین جهت وقوف در خود مکان‌های مذکور جایز نیست، و فرق ندارد که در کوه باشد یا بیابان، (فیاض کابلی، ۱۴۲۶: ۱۷۴)

^۳ صحرائی وسیع که در حدود دو فرسخ و نیمی مکه و ما بین منی و عرفات واقع است.

^۴ از امام صادق(ع) نقل شده است که در حدیث ابراهیم(ع) فرمودند: جبرئیل به موقف عرفات منتهی شد و به آن رسید پس در آن اقامه کرد تا خورشید غروب نمود سپس ابراهیم(ع) را از آن جا بیرون برد و به او گفت: ای ابراهیم: ازدلف الی المشعر الحرام یعنی کوچ کن به طرف مشعرالحرام، پس مشعرالحرام را مزدلفه خواندند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۹۷)

^۵ از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: مزدلفه را به این جهت جمع خوانده‌اند که آدم(ع) در آن بین نماز مغرب و عشاء جمع نمود(ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۹۷)

یا اعتباری چیزی ذکر شود، در آن خلل پیش می‌آید. به‌عنوان مثال اگر ساختمانی را فرض کنیم که فسادی در آن یا در بدنه ساختمان یا از جهت عوارض دیگر وارد شود، دچار خلل شده است. (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۳)

۱-۴-۱. اقسام خلل

باتوجه به دیدگاه امام خمینی در کتاب الخلل فی الصلاه خلل دروقوفین را با توجه به منشأ می‌توان اینگونه تقسیم نمود:

۱-خلل عمدی: که به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف- خلل از روی علم و عمد: خواه به نقیصه باشد یا به زیاده، موجب بطلان وقوفین و حج است.

ب-خلل از روی علم و عمد همراه باتقیه: خلل بخاطر خوف و اضطراب واقع می‌شود و شخص عمل را برخلاف واقع اتیان می‌کند؛ که بر مبنای رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما اضطروا الیه» در حدیث رفع موجب بطلان نیست. ج- خلل از روی علم و عمد همراه با اکراه: که بر مبنای رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما اکرهوا الیه» در حدیث رفع موجب بطلان نیست.

۲- خلل از روی جهل: که به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- جهل قصوری: اخلال ناشی از جهل به حکم و موضوع در ارکان و غیر ارکان، اگر به سبب قصور باشد به دلیل رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما لایعلمون» در حدیث رفع حکم به صحت وقوفین می‌شود.

ب- جهل تقصیری: شخص اگر در اتیان شرایط وقوفین علم اجمالی داشته باشد، امتنان حدیث رفع شامل او نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۶-۳)

۱-۴-۲. خلل در وقوفین

خلل در وقوفین عبارت است از اخلال به چیزی که وجود یا عدم آن در وقوف عرفات و مشعر معتبر است. به دلیل اینکه حج ماهیتی اعتباری است،^۶ می‌توان ادعا نمود مانند ساختمانی است که دارای ارکان و اجزا است و اگر خللی از جهت نقیصه در آن اتفاق افتد، طبق قاعده اولیه یعنی اشتغال یقینی برائت یقینی می‌طلبد، حکم به فساد آن می‌کند و فرقی در علم به حصول و یا شک در آن و یا بین ارکان و غیرارکان نمی‌کند.

^۶ از دیدگاه نگارندگان ماهیت ترکیبی بر دو قسم است: ۱- ماهیت حقیقی: که عناصر این ماهیت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند مانند ترکیب آب که از عناصری که برهم فعل و انفعال دارند به وجود می‌آید. ۲- ماهیت اعتباری: در این نوع ماهیت ترکیبی میان افراد وجود ندارد فقط اجتماع در عناصر وجود دارد.

اگر دیدگاه امام خمینی در خلل فی الصلاه، در کلیه عبادات تعمیم داده شود، در وقوفین نیز می‌توان گفت از نظر ایشان زیاده موجب بطلان نیست، زیرا این زیاده به معنای زیاده در «مأموربها بمأنه مأموربها» نیست که قائل به امتناع آن شویم، بلکه به معنای زیاده در مصادیق ماهیت شرعیه «مأموربها قطع نظر از امر» می‌باشد. (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۵-۴)

از دیدگاه نگارندگان، خلل همان گونه که در نقیصه حاصل می‌گردد در زیاده نیز حاصل می‌شود، همان گونه که زیاده و نقیصه موجب بطلان نماز است - زیرا نماز از مهام امور است و شارع آن را مهندسی کرده است و با توجه به دلیل عقلایی نمی‌توان زیاده را موجب عدم بطلان نماز دانست - در وقوفین نیز اگر عمداً زیاده یا نقیصه در یکی از ارکان وقوفین به وجود آمد، خلل در حج به وجود می‌آید، زیرا حج پس از نماز و روزه و زکات و خمس جزء مهم‌ترین عبادات و فروع دین است. همان گونه که کلینی به طریق معتبر از امام صادق (ع) روایت نموده که هر کس از دنیا رود و حجه الاسلام را به جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن بازماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸: ۲۲۴) از دیدگاه امام خمینی این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است (امام خمینی، بی تا: ۳) و حج از ارکان دین و از ضروریات آن بشمار می‌رود و ترک آن با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است. (همان: ۲)

اهمیت حج و نقش آن در سازندگی و تکامل انسان نیز به وضوح از قرآن کریم به دست می‌آید: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۷. در این آیه به کار بردن واژه «کفر» که همانند ایمان دارای مراحل و درجاتی است، برای کسی که حج را ترک می‌نماید بیانگر اهمیت این مسئله است؛ در حقیقت کسی که حج را ترک می‌نماید حق را پوشانده و با آن مخالفت نموده است. (منتظری، ۱۴۲۷: ۱۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۱) بنابراین در وقوفین نیز شارع آن را مهندسی کرده است و با توجه به دلیل عقلایی نمی‌توان زیاده از روی عمد را موجب عدم بطلان حج دانست و آن را از مصادیق مأموربه به حساب آورد.

۲. وقوف عرفات

^۷- آل عمران/۹۷

از دیدگاه فقه امامیه در صحت وقوف عرفات رعایت مواردی لازم است که در چهار تقسیم‌بندی، بحث خلل در آنها بررسی خواهد شد:

۱-۲. خلل در نیت

فقه امامیه: نیت یعنی خطور در ذهن و وجود ذهنی دادن برای عملی که شخص برای خدا می‌خواهد انجام دهد. (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۳۵۷)

فقه‌های امامیه قائلند به اینکه نیت باید مشتمل بر قصد قربت باشد^۱ یعنی عمل شخصی مورد قبول واقع می‌شود که فقط برای رضای خدا انجام شود. از دیدگاه امام خمینی در نیت، خلوص لازم است (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۶۸) یعنی اگر غیر از قصد خدایی در کار باشد و وقوف را عمداً برای ریا و تظاهر انجام دهد موجب خلل به شرایط وقوف و بطلان حج می‌شود. در نیت لازم نیست که شخص چیزی تصور کرده و از فکر خود عبور دهد، بلکه همین مقدار که برای انجام وقوف شروع می‌کند، کافی است. (امام خمینی، ۱۴۲۲: ۹۹) بنابراین اگر ریا از روی علم و عمد باشد، موجب خلل در یکی از شرایط وقوف می‌گردد و باعث فساد حج می‌گردد زیرا حج بدون نیت عبادت محسوب نمی‌شود (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۶۸)

فقه مذاهب: از دیدگاه مالکیه و حنابله قصد وقوف و نیت در وقوف عرفات لازم است و اختلاف دو مذهب در وقوف شخص خواب و بی‌هوش است که از دیدگاه مالکیه صحیح است ولی از دیدگاه حنابله صحیح نیست و به دلیل نداشتن عقل باعث خلل به یکی از شرایط انجام حج می‌شود. (البهوتی، بی‌تا، ج ۲: ۴۹۴؛ الزحیلی، بی‌تا، ج ۳: ۲۲۳۷؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۷۲)

حنفیان نیت، علم و عقل را شرط وقوف نمی‌دانند و صرف حضور در عرفات را کافی می‌دانند (سیدسابق، ۱۳۹۷، ج ۱: ۷۱۹؛ الجزیری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۵۹۷) و هر کسی که در عرفه وقوف کند هر چند به صورت عبوری، خوابیده یا بی‌هوش باشد و نداند که آنجا عرفه است، آن وقوف را برای او کافی دانسته و خللی به آن وارد نمی‌دانند. (السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۶؛ الزحیلی، بی‌تا، ج ۳: ۲۲۳۷)

^۱ معانی متعددی برای قصد قربت ذکر شده است: ۱- داعی امر: معنای معروف قصد قربت عبارت از این است که انسان مأمور به را به داعی امر انجام دهد. قصد قربت در کلمات فقهاء معمولاً به این معنا می‌آید. ۲- داعی محبوبیت: یعنی انسان مأمور به را به داعی اینکه نزد مولا محبوبیت دارد، انجام دهد. ۳- داعی مصلحت ملزمه: یعنی انسان مأمور به را به داعی مصلحت ملزمه‌ای که- طبعاً- در آن واجب وجود دارد، انجام دهد. ۴- داعی حُسن: یعنی انسان مأمور به را به داعی حسن آن عمل، انجام دهد بدون اینکه کاری به محبوبیت و مصلحت ملزمه داشته باشد. ۵- داعی قرب به مولا: یعنی انسان عمل را به داعی قرب به مولا به او انجام دهد. (موحدی لنگرانی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۹۶)

شافعیان نیز علم و قصد را شرط نمی‌دانند و از دیدگاه آنان آنچه در عرفات واجب است وقوف و حضور است با این شرط که اهلیت عبادت داشته باشد، یعنی شخص نباید دیوانه و مست و بی‌هوش باشد. (الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۳۷؛ البجیری، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۱؛ الجزیری، ۱۴۲۴، ج ۱: ۵۹۷؛ الغزالی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۵۶؛ سیدسابق، ۱۳۹۷ق، ج ۱: ۷۲۰)

۲-۲. خلل در محل وقوف

فقه امامیه: شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده سرزمین عرفات است. حدود عرفات چنانچه مورد اطمینان یا تأیید اهل محل باشد معتبر است. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۷) بنابراین اگر شخص نسبت به محل وقوف علم و اطمینان داشت و از اهالی محل نیز پرسیده و تأیید نموده‌اند که مکان وقوف صحیح بوده، حج او صحیح است و خللی در وقوف وارد نشده است. ولی اگر در اثر فراموشی یا جهل به محل، وقوف را درک نکرد باید وقوف اضطراری را درک کند ولی اگر عمداً وقوف اضطراری را درک نکرد، موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود.

فقه مذاهب: از دیدگاه مذاهب اربعه حجاج در هر جای عرفه می‌توانند وقوف کنند مگر در «بطن عرنه» که نباید وقوف نمایند و وقوف در آن موجب خلل در محل موقوف می‌شود؛ زیرا پیامبر از آن نهی کرده است و فرموده: «کل عرفه موقوف و ارفعوا عن بطن عرنه» کل عرفه محل وقوف است و از «بطن عرنه» بپرهیزید، و همچنین وقوف قبل از عرفه مثلاً در «نمره» نیز کفایت نمی‌کند و موجب خلل و عدم درک موقوف می‌شود. (النووی، بی تا، ج ۸: ۱۰۶؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۳۴) از دیدگاه مالکیه وقوف در بطن عرنه کفایت می‌کند و موجب خلل و بطلان حج نمی‌شود ولی شخص باید کفاره دهد. (الرعینی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۷؛ ابن عبدالبر، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۷۲)

۲-۳. خلل در وقت وقوف

فقه امامیه: در مبدأ وقوف نزد امامیه دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول: مبدأ وقوف زوال خورشید است به این معنا که ابتدای شروع به زوال، ابتدای وقوف عرفات می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۶؛ صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵: ۴۳۹؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۱۴) دیدگاه دوم: وجوب وقوف بعد از زوال خورشید (به‌عنوان مثال ۵ یا ۱۰ دقیقه بعد از زوال) می‌باشد. (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۲۲۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۶: ۳۷۵)

هر یک از وقوف در عرفات و مشعر دارای دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری عرفات: از حدود ظهر تا غروب آفتاب است، که در حالت اختیار و التفات و تمکن وظیفه حاجی ادراک وقوف در آن وقت است.

۲- وقوف اضطراری عرفات: مقداری از غروب آفتاب تا طلوع فجر شب دهم ذی‌الحجه است. پس اگر تا اذان صبح عید هم وقوف در عرفات را درک کند کفایت می‌کند (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۵۰) و اگر در اثر عجز یا نسیان و عوامل دیگر که عندالعرف و الشرع عذر محسوب می‌شوند نتواند وقت اختیاری را درک کند، می‌تواند به این وقت اضطراری اکتفا کند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۷؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۸۷)

بنابراین لازم نیست شخص از ابتدای ظهر نهم در عرفات باشد، بلکه تأخیر آن تا نزدیک غروب اشکال ندارد و خللی به وقوف وارد نمی‌سازد؛ و شخص می‌تواند کمی قبل از مغرب خود را به عرفات برساند و نیت وقوف نماید و حج او صحیح است.

فقه مذاهب: از دیدگاه مذاهب مالکیه، شافعیه و حنفیه وقت وقوف از زوال خورشید روز نهم ذی‌الحجه تا طلوع فجر روز بعد است. (الغزالی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۵۶؛ الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۲۵؛ الانصاری، بی تا، ج ۱: ۴۸۸؛ النووی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۷؛ ابن الجلاب، ۱۴۲۸، ج ۱: ۲۲۶) ولی از دیدگاه حنبله زمان وقوف عرفه از طلوع فجر روز عرفه تا طلوع فجر روز عید می‌باشد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۷۲) از دیدگاه آنان اگر شخص سهواً وقوف عرفه را ترک کند، موجب خلل سهوی می‌باشد ولی با استناد به روایت پیامبر (ص) که فرموده‌اند: «الْحَجُّ عَرَفَةٌ» موجب بطلان حج می‌شود و شخص باید حج را اعاده کند و بقیه اعمال حج او تبدیل به عمره می‌شود. (ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۱۲)

۴-۲. خلل در کیفیت وقوف

فقه امامیه: وقوف در عرفات یعنی «حضور» به هر حالتی که باشد (شبیری زنجانی، ۱۴۲۷: ۱۹۰) وقوف رکنی عرفات مسمای وقوف است. به این معنا که بگویند مقداری در عرفات بوده است، حتی یک یا دو دقیقه، بنابراین اگر همین مقدار را بعد از ظهر روز نهم در عرفات باشد، حج او صحیح است. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۶؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۳: ۳۳۱) از نظر برخی از فقها حضور در کل زمان عرفه احوط است. (خویی، ۱۴۱۱: ۱۵۵؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۲۰)

از دیدگاه فقهای امامیه، شخص خواه سواره باشد^۹ یا پیاده، نشسته باشد یا ایستاده یا در حال راه رفتن، خواب باشد یا بیدار، و قوف شخص صحیح است، ولی اگر در تمام مدت وقوف خواب یا بی‌هوش باشد و قوف او باطل است. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۶؛ خویی، ۱۴۱۱: ۱۵۴؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۲۶؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۲۳: ۳۳۱) ولی اگر در اول وقت نیت کرده باشد و بعد از آن به خواب رود یا بی‌هوش شود مانعی ندارد. (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۲۳: ۲۳۷) و خللی به وقوف او وارد نشده است.

برای وقوف در عرفات، مانند سایر اعمال حج - بجز طواف و نماز - وضو داشتن و پاک بودن از حیض و نفاس و جنابت لازم نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۴۰) بنابراین اگر بدن یا لباس محرم نجس شود، باید بدون تأخیر تطهیر کند، ولی نجس ماندن آنها وقوف را باطل نمی‌کند.

دلیل براین سخن از نظر نگارندگان پاسخ امام کاظم (ع) به سوال علی بن جعفر است که آیا مرد می‌تواند بدون وضو در عرفات وقوف نماید؟ ایشان فرموده اند: شایسته نیست مگر وضو داشته باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۵۵۵) «لایصلح» در متن روایت ظهور در وجوب ندارد و حمل بر مرجوحیت می‌شود.

فقه مذاهب: از دیدگاه مذاهب طهارت شرط وقوف نیست (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۷۲؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۳۵) و وقوف شخص جنب و حائض صحیح است (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۲۷۸؛ السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۶) و طهارت از حدتین و نجاست بدن و لباس مستحب است. (البهوتی، بی تا، ج ۲: ۴۹۴) علمای مذاهب اتفاق نظر دارند که وقوف در بخشی از زمین عرفه کفایت می‌کند حتی اگر لحظه‌ی کوتاه باشد. مقدار مورد نظر از وقوف، همان حضور او در عرفه در لحظه‌ای از این زمان است که نسبت به بودن در آنجا آگاه یا ناآگاه باشد، خوابیده یا بیدار باشد، بی‌هوش یا مست یا مجنون باشد (الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۴؛ الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۲۷) مالکیه، مکث بعد از غروب خورشید در وقوف، یعنی استقرار و ماندن به قدر فاصله‌ی بین دو سجده به صورت ایستاده، نشسته یا سواره را واجب می‌دانند (الدسوقی، بی تا، ج ۲: ۲۷) و اگر سواره باشد به خاطر مباحات و تعظیم حج، افضل می‌دانند. (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۲۷۸)

۵-۲. ترک وقوف عرفات

^۹ - در کشف اللثام اشکالی به وقوف شخص سواره وارد شده است که چنین شخصی عرفاً و لغتاً از معنای وقوف خارج است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۷۶) صاحب جواهر در رد اشکال بیان می‌کند که چنین شخصی یکی از افراد وقوف می‌باشد. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۱۶)

اگر شخص از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند؛ یعنی در هیچ جزء از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد، موجب خلل عمدی است و حجش باطل است، و از دیدگاه امام برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است، کفایت نمی‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۶) اما در مورد ترک وقوف عرفات قبل از غروب آفتاب سه دیدگاه را می‌توان بیان کرد:

۱- شخصی که قبل از غروب آفتاب عرفه را ترک کند بر او کفاره لازم است و به حج او خللی وارد نشده و صحیح است. (الجزیری، ۱۴۲۴، ج ۱: ۵۹۸) که حنفیه (الزیلعی، ۱۳۱۳، ج ۲: ۲۷؛ السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۵)، حنابله (ابن تیمیه، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۰۴؛ المرادوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۲۳؛ البهوتی، بی تا، ج ۲: ۴۹۴) و امامیه بر این دیدگاه می‌باشند.^{۱۰} (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۷؛ خوبی، ۱۴۱۱: ۱۵۴؛ نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۲۳) و به روایت ضریس کناسی از امام باقر (ع) که قربانی و هجده روز روزه را بر چنین شخصی واجب دانسته‌اند و فرموده‌اند: «کسی که قبل از مغرب از عرفات به مشعر حرکت کرده است، در روز دهم باید شتری را به عنوان کفاره قربانی کند و اگر قدرت بر کفاره نداشت باید هجده روز روزه بگیرد چه در مکه باشد یا در شهر و وطنش». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۵۳۹) و نیز به روایتی که در خصوص ترک مناسک از ابن عباس نقل شده است: «کسی که چیزی از مناسک را فراموش کند یا ترک کند پس باید قربانی دهد» استناد نموده‌اند. (ابن انس، ۱۴۱۸، ج ۱: ۵۳۹)

۲- وقوف عرفه تا غروب آفتاب مستحب است و در صورت ترک، خللی به وقوف او وارد نشده است و مستحب است که در صورت ترک فدیة دهد، که شافعیه بر این دیدگاه می‌باشند (الشربینی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۳) و به روایتی که عروه بن مضرس از پیامبر (ص) نقل کرده است: «من أدركَ معنا هذه الصلاةَ وأتى عرفاتَ قبلَ ذلكَ ليلاً أو نهاراً فقد تمَّ حجُّه و قضيَّ تَفَثُهُ» استدلال می‌کنند. (السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۷) از دیدگاه حنابله در منطوق روایت مذکور اشکالی نیست ولی در اراده عموم از مفهوم آن اشکال وجود دارد بنابراین استناد به آن را معتبر نمی‌دانند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۱۹)

۳- در صورت ترک عرفه قبل از غروب آفتاب به وقوف او خلل وارد شده و حج او صحیح نیست و باید دوباره به جا بیاورد که مالکیه بر این دیدگاه می‌باشند (الدسوقی، بی تا، ج ۲: ۴۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴: ۲۷۸) و به

^{۱۰} از دیدگاه امام خمینی اگر عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند، بنا بر اقوی چیزی بر او نیست، لکن احتیاط در کفاره است به یک شتر، و همچنین اگر بدون آنکه پشیمان شود از کار خود، برای حاجتی برگردد، لکن بعد از رسیدن با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست. اگر مراجعت نکرد، کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند و اگر متمکن از قربانی نباشد، هجده روز روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم روزه بگیرد. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۳۷)

روایت مالک بن انس «من لم يقف بعرفه من ليله المزدلفه فقد فاته الحج» استدلال می‌کنند (ابن انس، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۰۳)

۳. وقوف مشعر

از دیدگاه فقه امامیه در صحت وقوف مشعر رعایت مواردی لازم است که در ذیل چهار تقسیم‌بندی بحث خلل در آنها بررسی خواهد شد:

۳-۱. خلل در نیت

فقه امامیه و مذاهب^{۱۱} در این وقوف نیز چون عبادت خداوند است، شخص باید با نیت خالص از ریا و بدور از خودنمایی وقوف کند و از دیدگاه امامیه در صورت ریا کردن با عمد و علم، موجب وارد شدن خلل عمد به نیت است و حج او باطل می‌شود. (امام خمینی، بی تا: ۴۶؛ همو، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۵۲) ولی باتوجه به اینکه فقهای مذاهب این وقوف را رکن نمی‌دانند، اگر شخص نیت خالص نداشته باشد موجب خلل به حج و بطلان آن نمی‌شود.

۳-۲. خلل در محل مشعر

فقه امامیه: شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده حدود^{۱۲} مشعر است. حدود مشعر همانند عرفات چنانچه مورد اطمینان یا تأیید اهل محل باشد معتبر است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۴۸) بنابراین اگر شخص در اثر فراموشی یا جهل به محل، وقوف را درک نکرد باید وقوف اضطراری را درک کند و اگر عمداً محل وقوف اضطراری را درک نکرد، خلل به حج او وارد شده است. اگر حج‌گزار عازم مشعر بود و از افرادی که آنجا بودند سؤال نمود و اطمینان پیدا کرد که مشعر است و نیت بیتوته و قصد وقوف کرد و پس از وقت اضطراری مشعر معلوم شد مشعر نبوده است، بنابر نظر امام خمینی و اکثر فقها باید احتیاطاً این حج را تمام کند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهد، و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد حج را اعاده کند. (امام خمینی، بی تا: ۲۵۰)

^{۱۱} - باتوجه به اینکه بحث آن در وقوف عرفات گذشت از تکرار آن خودداری می‌شود.

^{۱۲} - حدود مشعر از مآزمین تا حیاض و تا وادی محسر است. به عبارت دیگر، حد مشعر را از طرف عرفات مآزمین گویند که در جانب مشرق مشعر است و از طرف منی که طرف مغرب مشعر است وادی محسر می‌نامند و تا وادی حیاض امتداد دارد. (علی محمدی، بی تا، ج ۱: ۳۱۶)

بنابر نظر نگارندگان به نظر می‌رسد از آنجایی که حج‌گزار اطمینان حاصل کرده و وقوف در غیر محل از روی عمد نبوده است و چنین شخص دارای عذر می‌باشد، خللی وارد نشده است و حج او صحیح می‌باشد و نیازی به اعاده حج و یا تمام کردن حج نمی‌باشد و با استناد به دیدگاه امام خمینی در فقرات «مالا یعلمون و خطا» حدیث رفع که ادعائاً جمیع آثار برداشته شده است، وقوف او صحیح است. (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۳۴: ۱۱)

فقه مذاهب: از دیدگاه مذاهب کل مزدلفه (مابین منا و عرفه) به غیر از بطن محسّر (وادی بین منا و مزدلفه) محل وقوف است، بنابراین وقوف در هر بخشی از مزدلفه بجز وادی محسّر، صحیح است. نزول و فرود آمدن در محسّر از نظر حنفیه کراهت دارد، ولی اگر در آنجا وقوف کند، برای او کفایت می‌کند و موجب خلل به محل وقوف نمی‌شود. با استناد به این قول پیامبر صحیح است که می‌فرماید: «عرفات کلها موقف، إلا بطن عرنه، و مزدلفه کلها موقف إلا وادی محسّر» کل عرفات محل وقوف است، بجز بطن عرنه و کل مزدلفه محل وقوف است بجز وادی محسّر. (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۳۶؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۴۷)

۳-۳. خلل در وقت وقوف

فقه امامیه: از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب واجب است حجاج در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن، وقوف کمی از بین الطلوعین است، اگر چه به قدر یک دقیقه باشد؛ پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند، موجب خلل بوده و حج او باطل خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۴۶)

وقوف مشعر مانند وقوف عرفات دارای دو قسم است:

- ۱- وقوف اختیاری مشعر: از طلوع فجر صادق روز عید قربان یعنی اول اذان صبح تا طلوع شمس.
- ۲- وقوف اضطراری مشعر: از آغاز طلوع شمس تا اول ظهر شرعی روز دهم است. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۸۷)

بنابراین اگر شخص از روی اختیار و عمد وقت وقوف را ترک کند و خارج از اوقات بخوادد وقوف نماید موجب خلل به وقوف او می‌شود.

فقه مذاهب: فقهای اهل سنت دو دیدگاه دارند:

۱- دیدگاه حنفیه: وقوف ما بین طلوع سپیده دم از روز نحر و طلوع خورشید است؛ زیرا پیامبر(ص) در حدیث جابر^{۱۳} قبل از طلوع خورشید از آنجا رفته است. بنابراین هر کس در آنجا قبل از طلوع خورشید یا بعد از طلوع خورشید وقوف کند، موجب خلل به وقت وقوف می شود و این وقوف برای شخص کفایت نمی کند، و قدر واجب از آن یک لحظه و هر چند کم و اندک باشد. (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۳۶؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۴۸)

۲- دیدگاه اکثریت: زمان وقوف همان شب است. از دیدگاه مالکیه زمان وقوف در هر بخشی از شب به اندازه بار سفر انداختن و نماز مغرب و عشاء و خوردن و آشامیدن چیزی است. (ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۱۵) و از دیدگاه شافعیه وقت وقوف در مزدلفه بعد از نیمه شب است، پس هر کس در نیمه شب در آنجا نباشد، موجب خلل به وقت وقوف است، ولی باعث خلل و بطلان حج نیست بلکه برای جبران آن باید قربانی کند. (البجیرمی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۳۱؛ الرملی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۹۹) از دیدگاه حنابله مبیّت و بیتوته در مزدلفه تا طلوع سپیده دم، واجب است بنابراین اگر نماز صبح را در اول وقتش خواند، در مشعرالحرام وقوف کند و اگر بتواند از آن بالا برود، در غیر این صورت در کنار آن وقوف کند و ذکر خدا بجای آورد و دعا کند، بنا به این آیه شریفه: «فإذا أفضتم من عرفات، فاذكروا الله عند المشعر الحرام» و بنا به حدیث جابر که «پیامبر به مشعرالحرام آمد و از آن بالا رفت و به درگاه خدا دعا کرد و لااله الاالله و تکبیر خدا را گفت»، هر کس در مزدلفه بیتوته کند، رفتن قبل از نیمه شب برای او جایز نیست، پس اگر بعد از نیمه شب برود، خللی به حج او وارد نشده است و کفاره نیز ندارد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۷۷؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۴۸)

۳-۴. خلل در کیفیت وقوف

فقه امامیه: مشهور فقهای امامیه مبیّت در شب عید را واجب نمی دانند و آن را احوط می دانند (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵: ۴۳۹) و برخی نیز با استناد به روایت صحیحه معاویه بن عمار که از امام صادق(ع) نقل کرده است: «در شب مشعر از حیاض که آخر مشعرالحرام است، تجاوز نکن» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۱۸) و همچنین روایت عبدالحمید بن ابی الدیلم که از امام صادق(ع) درباره نامگذاری ابطح نقل کرده است که فرموده اند: «حضرت آدم مامور شد که در زمین مشعر بنخوابد بر پهلو تا صبح طالع شود و حضرت آدم در آنجا تکیه نمود تا صبح طالع شود» (همان: ۱۱)

^{۱۳} حدیث جابر: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى المزدلفه فصرى بها المغرب والعشاء بأذان واحد وإقامتين ولم يسبح بينهما شيئاً، ثم اضطجع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى طلع الفجر وصلى الفجر حين تبين له الصبح بأذان وإقامة، ثم ركب القصى حتى أتى المشعر الحرام فاستقبل القبلة فدعا وكبره وهلله ووحده، فلم يزل واقفاً حتى أسفر جداً فدفع قبل أن تطلع الشمس.

واجب می‌دانند (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۵۳) اشکالات روایت مورد استناد دسته دوم آن است که صحیحۀ معاویه بر وجوب مبیت دلالت ندارد و اصل عدم تجاوز حیاض نیز معلوم نیست حرام باشد و ممکن است از سیاق روایت استفاده استحباب این مورد برای ضروره^{۱۴} شود نه وجوب آن برای همه. و روایت دوم نیز علاوه بر ضعف سند آن به خاطر عبدالحمید بن ابی دیلم و محمد بن سنان که ثقه نیستند، دلالت آن نیز ضعیف است زیرا امر کردن به ماندن تا طلوع فجر صبح با مقداری مکث تحقق پیدا می‌کند و نیازی به مبیت نیست. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۹: ۲۰۲) از دیدگاه امام خمینی احتیاط واجب آن است که حجاج شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به سر برند و هنگام طلوع صبح، تا طلوع آفتاب نیت وقوف به مشعرالحرام کنند. اقوی جواز کوچ کردن، بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد گناهکار است ولی خللی به حج او وارد نشده است و کفاره‌ای بر او نیست. و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسّر نشود.^{۱۵} (ر.ک: امام خمینی، بی تا: ۲۴۶)

فقه مذاهب: مبیت در مزدلفه از نظر حنابله واجب است (البهوتی، بی تا، ج ۲: ۴۹۷) و از نظر حنفیه و مالکیه جزء سنت است. (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۲۶؛ ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۱۵) دو دیدگاه در فقهای شافعیه وجود دارد: قائلین به وجوب به روایتی منقول از پیامبر (ص) که فرمودند: «هرکسی که مبیت در شب مزدلفه از او فوت شود پس قطعاً حج از او فوت شده است» استدلال می‌کنند و قائلین به استحباب نیز به روایت: «حج روز عرفه است، هرکسی که قبل از صبح در شب مزدلفه بیتوته نکرد چیزی بر او نیست» استدلال می‌کنند. از نظر قائلین به وجوب مبیت، شخص در صورت ترک عمدی، باید قربانی دهد ولی خللی به حج او وارد نمی‌شود. (النووی، بی تا، ج ۸: ۱۳۶؛ الشربینی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۴؛ الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۶؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۷۷)

۵-۳. ترک وقوف مشعر

وقوف در مزدلفه از نظر اجماع مذاهب واجب است نه رکن. پس هر کس که آن را ترک کند، خللی به حج او وارد نمی‌شود و برای جبران آن باید قربانی کند. (الزحیلی، بی تا، ج ۳: ۲۲۶؛ الرملی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۰۰؛ ابن قدامه،

^{۱۴} - کسی است که اولین بار به حج می‌رود.

^{۱۵} - همان‌گونه که از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: بعد از نماز صبح، پاک و طاهر بمان، و اگر خواستی نزدیک کوه مشعر و یا در جای دیگر متوقف شو، و خدا را حمد و ثنا کن و بعد، زمانی از کنار مشعرالحرام به سوی منی سرازیر شو که آفتاب بر کوه «ثبیر» منی بتابد و شتر جای پای خود را ببیند. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴: ۸۵)

۱۳۸۸، ج ۳: ۳۷۷) اگر ترک وقوف مزدلفه به سبب عذری باشد، نیاز به قربانی نیست به خاطر آنچه که از پیامبر (ص) نقل شده است: «قَدَّمَ ضَعْفَةَ أَهْلِهِ، وَلَمْ يَأْمُرْهُمْ بِالْكَفَّارَةِ» ولی اگر عمدی باشد باید قربانی کند. (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۳۶)

با توجه به دیدگاه فقهای امامیه، اگر ضعفاء مانند زنها، اطفال، پیرمردان و برای کسانی که عذری دارند مانند خوف و بیماری، در شب عید کوچ نمایند خللی به حج آنها وارد نشده است و حج ایشان صحیح می باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۴۴۲؛ خویی، ۱۴۱۱: ۱۵۹) بنابراین با توجه به دیدگاه امام خمینی، عوامل خدماتی و کسانی که ضعفا را کوچ می دهند و مراقبت و پرستاری می کنند، جایز است که در شب عید بعد از آنکه مقداری وقوف کردند، کوچ نمایند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۵۰)

دلیل نگارندگان علاوه بر عرف و دلیل عقلایی، روایات است از جمله، روایتی که ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمودند: «پیامبر اکرم (ص) به زنان و افراد ضعیف اجازه داده اند که شبانه در مشعر حرکت کنند و شبانه در رمی جمرات حضور یابند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۳۰) که مفاد این روایت صحیح، این است که شخص ضعیف می تواند در شب عید قربان و بین الطلوعین در مشعر نخواست و به منا برود.

کسی که بدون عذر و عمداً پیش از طلوع فجر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب بر نگردد، چنانچه وقوف در عرفات از او فوت نشده و شب عید تا طلوع فجر در مشعر وقوف کرده باشد، حجش بنا بر مشهور فقها صحیح است و خللی وارد نشده است و با توجه به فتوای مشهور فقها بر او یک گوسفند واجب است، ولی از نظر امام خمینی احتیاطاً در سال آینده حج بجا آورد. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۴۹)

از دیدگاه نگارندگان با استناد به روایت صحیح علی بن رئاب که از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «کسی که همراه با مردم از عرفات افاضه کرده، ولی در مشعر با ایشان درنگ ننموده، از روی عمد یا از سر بی اعتنایی راه منا را در پیش گرفته است، اشتری فربه برای قربانی بر ذمه دارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۶۹) به نظر می رسد روایت را بر شخص مکث کننده ولو به دقایقی می توان حمل کرد که متضمن وجوب کفاره بر شخص متعمد بر ترک است، بنابراین حج چنین شخصی صحیح بوده و خلل عمدی وارد نشده است که نیاز به اعاده داشته باشد و اعاده حج با توجه به هزینه و سختی حضور موجب حرج و مشقت بر شخص می شود.

از دیدگاه امام خمینی کسی که به خاطر عذری به وقوف بین الطلوعین و وقوف شب عید نرسد، ولی به وقوف عرفات رسیده باشد، اگر چنانچه به مقداری از طلوع فجر تا ظهر روز عید برسد و در مشعر ولو مختصری وقوف نماید، حجّش صحیح است و خللی وارد نشده است.^{۱۶} (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۵۰)

از دیدگاه نگارندگان بر صحت حج چنین شخصی می‌توان به روایت موثقه ای که یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) نقل کرده است، استناد نمود: «به آن امام معروض داشتم که مردی از عرفات افاضه کرده، و از مشعر گذشته است، ولی در آنجا وقوف نکرده تا به منا رسیده، و جمره را رمی نموده، و حکم وقوف به مشعر را ندانسته تا روز برآمده است. امام فرمود: به مشعر بازگردد، و در آنجا وقوف کند، و پس از آن جمره را رمی نماید». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۶۹)

۴. صور خلل در اوقات وقوفین

با توجه به اینکه وقوف عرفات و مشعر یا یکی از آن دو بر برخی از افراد فوت می‌شود و وقوف در عرفات و مشعر دارای وقوف اختیاری و اضطراری است، حالت‌های مختلفی برای ترک وقوف، متصور است که در برخی از صور حج صحیح و در برخی دیگر از صور حج موجب خلل و بطلان حج ولو بنا بر احتیاط، می‌شود:

الف- اگر شخصی هر دو وقوف اختیاری را ادراک کند، حج او صحیح است و اگر یکی از دو وقوف اختیاری را درک کند و دیگری را عمداً ترک کند و در این حالت نیز وقوف اضطراری را درک نکند یا هیچ‌کدام از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکند، موجب خلل عمدی است و حج او باطل می‌شود. از دیدگاه امام خمینی لازم است با همان احرام با نیت عدول بنا بر احتیاط واجب به عمره مفرده عدول نماید و آن را به‌جا آورد و در صورتی که حج بر عهده او مستقر بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حج را اعاده نماید. در این حالت استثنائاتی نیز وجود دارد که اگر شخص در شب عید در مزدلفه وقوف کند و قبل از طلوع فجر به خاطر جهل به حکم افاضه کند و نتواند رجوع کند، حج او صحیح است و لازم است یک گوسفند کفاره دهد و اگر نرسیدن به وقوفین بدون تقصیر باشد، حج بر او واجب نیست، مگر اینکه در آینده شرایط استطاعت برایش پیدا شود. و اگر از روی تقصیر

^{۱۶} - امام خمینی در استفتائی در مورد شخصی که پس از وقوف در عرفات، بعد از ظهر روز نهم مریض شده باشد و او را به بیمارستان انتقال داده باشند و پس از بهبودی روز دهم یا یازدهم او را به منی آورده باشند و قربانی و رمی جمرات را دیگران نیابتاً از او انجام داده باشند و وقوف اختیاری و اضطراری را درک نکرده باشد، پاسخ می‌دهند که، اگر از جهت بیماری، درک مشعر نکرده و قربانی کرده- ولو با نایب گرفتن- و طواف نساء را انجام داده، محل شده است؛ ولی بنا بر احتیاط باید حج را اعاده کند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۵۳)

باشد حج بر او مستقر می‌شود و واجب است سال آینده به‌جا آورد؛ اگر چه شرایط استطاعت آن را نداشته باشد. (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۵۰؛ خویی، ۱۴۱۱: ۱۶۲-۱۶۱)

ب- اگر کسی یکی از دو وقوف اختیاری را درک کند و دیگری بر حسب ضرورت فوت شود و ادراک نگردد، خللی رخ نمی‌دهد و حج او صحیح است ولی اگر از روی عمد باشد موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود (ر.ک: همان).

ج- اگر کسی تنها دو وقوف اضطراری را ادراک کند، حج او فوت نشده و اگر تنها یکی از دو وقوف اضطراری را درک کند و دیگری از او فوت شود، عمداً یا به هر دلیل دیگر حج او باطل می‌شود. (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۵۱؛ صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵: ۴۴۱؛ علی محمدی، بی تا، ج ۱: ۳۱۷؛ بهجت، ۱۴۲۴: ۱۶۰)

۵. خلل در تقیه و قوفین

از مباحث مبتلابه شیعیان در حج ثبوت هلال ذی‌الحجه و اختلاف با اهل سنت می‌باشد. باتوجه به اینکه حجاج با دستور امیرالحاج از جانب حاکمان سعودی وقوفین عرفات و مشعر را انجام می‌دهند، این پرسش پیش می‌آید که در صورت ثبوت و حکم به هلال ماه ذی‌الحجه توسط قاضی اهل سنت و عدم ثبوت نزد شیعیان، وظیفه حجاج در وقوفین چیست؟ آیا موجب خلل در وقوفینی که حجاج انجام می‌دهند، می‌شود یا صحیح و مجزی خواهد بود؟

از دیدگاه امام خمینی روایت منقول از امام صادق (ع): «التقیه فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۲۶۴) ظهور در اجزاء عمل تقیه‌ای دارد و دلالتی بر ثبوت تعبدی موضوع و لزوم ترتب آثار واقع، بر آن را ندارد و در عبادات دیگر مانند روزه، ایشان بیان می‌کنند که اطلاق ادله تقیه، مقتضی اجزاء است، حتی در صورتی که علم به خلاف آن باشد (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۶۰) بنابراین باتوجه به مجزی بودن، تبعیت از حکم مخالف موجب خلل به اتیان وقوفین مطابق با مأموریه نمی‌شود و دلیل این دیدگاه به تقیه اضطراری یا مداراتی در بین حجاج برمی‌گردد.^{۱۷}

از دیدگاه ایشان اگر اول ماه ذی‌الحجه نزد قاضی اهل تسنن ثابت شود و به آن حکم نماید و نزد شیعیان ثابت نشود، پس اگر بدون تقیه و خوفی عمل بر طبق مذهب حق ممکن باشد باید عمل کرد، در غیر اینصورت واجب

^{۱۷} - تقیه مدارتی: تقیه به جهت ایجاد مودت و جلب دوستی مخالفین، بی آنکه ترسی از ضرر و زیان آنها بوده باشد. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۹)

است از آنها تبعیت شود. و اگر مخالفت با واقع، آشکار نشود حج صحیح است، بلکه اگر علم به مخالفت با واقع هم باشد بعید نیست که صحیح باشد و مخالفت با آنها جایز نیست، بلکه در صحت حج کسی که با تقیه مخالفت کرده، اشکال است. از آنجایی که افق حجاز و نجد با افق‌های شیعیان مخصوصاً افق ایران متفاوت است، لذا علم به مخالفت واقع پیدا نمی‌شود مگر به‌طور ندرت. (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۲۴۸؛ همو، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۵۰)

ادله‌ای که برای اثبات صحت وقوفین در مقابل حکم حاکم مخالف می‌توان ارائه نمود عبارتند از:

۱-۵. سیره مستمره

از جمله ادله‌ای که شاهد بر اجزاء تقیه مداراتی در موضوعات، مانند وقوف در عرفه و مشعر در غیر زمان آن دو، می‌باشد، آن است که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، ائمه (ع) و پیروان آنها به رعایت تقیه مبتلا بودند و در مدت ۲۰۰ سال با امراء الحجی که از سوی خلفای جور نصب شده بودند و تعیین زمان وقوف در اختیار آنها بود، مراسم حج را انجام می‌دادند و بی‌گمان اختلاف در زمان وقوف بسیار اتفاق می‌افتاد، با این وصف چیزی از آنها مبنی بر جواز مخالفت و یا لزوم اعاده حج در سال‌های بعد و یا درک وقوف عرفه و مشعر به گونه مخفی همان‌گونه که برخی از شیعیان^{۱۸} انجام می‌دهند، گزارش نشده است و انگیزه برای گزارش آن نیز فراوان بوده است. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۵۹؛ همو، ۱۴۳۴: ۱۶؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۹: ۱۹۶)

۲-۵. روایات

از دیدگاه امام خمینی از جمله روایاتی که دلیل بر اجزاء در تقیه اضطراری می‌باشد صحیحه فضلاء است: «قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ، فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۲۶۴) که حلیت در روایت، قرینه‌ای بر تخصیص به تکلیفیات نیست، زیرا حلیت اعم از تکلیفیات و وضعیات می‌باشد و در عرف، لغت، کتاب و حدیث نیز به تکلیف اختصاص ندارد تا جایی که شرب خمر اضطراری، تکتف در نماز، ترک سوره، وقوف در عرفات و مشعر قبل از وقت شرعی را جزء مصادیق این روایت «إِذَا اضْطُرَّ إِلَى شَيْءٍ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ» دانسته‌اند که خداوند آنها را امضا نموده است. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۴۷؛ همو، ۱۴۳۴: ۱۲)

روایت دیگری که امام خمینی آن را در شمول وضعیات نسبت به صحیحه فضلاء اظهر دانسته‌اند؛ روایت سماعه از امام صادق (ع) می‌باشد: «إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ تَقِيَّةً لَمْ يَضُرَّهُ إِذَا هُوَ أَكْرَهَ وَ اضْطُرَّ إِلَيْهِ وَ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ

^{۱۸} امام خمینی از تعبیر شیعیان جهال استفاده کرده اند.

إِلَّا وَ قَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۳: ۲۲۸) زیرا عدم ضرر رسانی حلف، همان عدم ترتیب اثر و کفاره در موارد اضطرار است و عنوان اضطرار در برخی از احادیث، مقتضی اجزاء عمل تقیه‌ای است. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۴۸؛ همو، ۱۴۳۴: ۱۴)

۳-۵. وحدت مسلمین

هدف در تقیه مداراتی در وقوفین، ممکن است اصلاح امور مسلمین به وسیله وحدت کلمه بین آنان باشد و اینکه با عدم تفرقه و گروه‌بندی مسلمانان در بین سایر ملل خوار و ذلیل نشوند و تحت سلطه کفار قرار نگیرند، زیرا در زمان‌های قبل، شیعیان، گروهی ضعیف و اندک بودند و اگر تقیه نمی‌کردند، قطعاً در معرض زوال و نابودی قرار می‌گرفتند. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۷۱) همان‌گونه که در روایتی عبدالله بن ابی یعفور از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «در دین خود پرهیزکاری پیشه کنید و تقوای خویش را با تقیه بیوشانید، کسی که تقیه نکند از دین بهره‌ای نبرده است. مثل شما مانند زنبور عسل در میان پرندگان است. اگر پرندگان می‌دانستند که چه چیزی در زنبور عسل قرار دارد، چیزی از آن را باقی نمی‌گذاشتند، مردم هم اگر بفهمند که درون قلب شما محبت اهل بیت (ع) وجود دارد، شما را با زخم زبانشان می‌خورند و در ظاهر و باطن، شما را مورد آزار قرار می‌دهند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۴۶۱)

از روایات دیگر نیز صحیح‌ه هشام بن حکم است، که از حضرت امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «از انجام کارهایی که موجب عیب گرفتن مردم و سایر فرق اسلامی بر ما می‌شود پرهیز کنید، چه بدی و زشتی عمل فرزندی، موجب عیب گرفتن مردم بر پدرش می‌شود. شما زینت ما باشید و سبب سرزنش دیگران بر ما نشوید... بهترین و محبوب‌ترین عبادت در نزد خدا، عبادت به طریق پنهانی و تقیه‌ای است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۸)

در روایت مذکور شیعیان ترغیب شده‌اند به اینکه اعمالشان، منطبق با آراء عامه انجام شود و نماز در حضور جماعت آنان به‌جا آورده شود که مستلزم آن است که به بعضی اجزاء و شرایط نماز عمل نشود. در انتهای روایت حضرت با فرمایش خود در پی رفع توهمی هستند که ممکن است در ذهن شیعیان متبادر شود مبنی بر عدم صحت عملی که بر خلاف واقع انجام شده است. پس حضرت می‌گوید: این نوع عبادت از محبوب‌ترین عبادات است. (امام خمینی، ۱۴۲۰، ۵۸) بنابراین با انجام تقیه در وقوفین و هماهنگی با اهل سنت و تبعیت از زمان اعلام شده از امیرالحاج خللی به وقوفین وارد نمی‌شود و بنابر مصالح شیعه حجتشان صحیح است.

جمع‌بندی

حاصل تحلیل دیدگاه فقهای امامیه با محوریت آراء امام خمینی (ره) و دیدگاه فقهای مذاهب در زمینه خلل در وقوفین عبارت است از:

۱- از ارکان حج، وقوفین (وقوف عرفات، وقوف مشعر) می باشد که اگر شخص آنها را عمداً ترک کند به دلیل عدم تطابق مأموریه با ماتی به، موجب خلل و بطلان حج شده می شود. از دیدگاه اهل سنت خلل عمدی در وقوف عرفات موجب بطلان حج می شود ولی به دلیل رکن نبودن وقوف مشعر، اگر خللی عمداً یا سهواً وارد شد حج او صحیح است و در مواردی نیاز به پرداخت کفاره و قربانی می باشد.

۲- نظر نگارندگان در وقوفین بر این می باشد که اگر عمداً زیاده یا نقیصه ای در یکی از ارکان وقوفین به وجود آمد، خلل در اتیان کامل ارکان حج به وجود می آید.

۳- در صحت وقوف عرفات اتیان ماتی به مطابق بامأموریه چهار شرط لازم است:

الف- داشتن نیت خالص: با توجه به دیدگاه فقهای امامیه در وقوفین نیت خالصانه لازم است و اگر برای قصدی غیر از خداوند وقوفین را انجام دهد موجب خلل در یکی از ارکان وقوفین و در نهایت منجر به بطلان حج می گردد، ولی از دیدگاه فقهای حنفیه و شافعیه نیت شرط نیست بلکه اهلیت عبادت شرط اتیان است.

ب- رعایت محل وقوفین: با توجه به دیدگاه فقهای امامیه و مذاهب اگر شخص عمداً محل وقوف را رعایت نکند موجب خلل در یکی دیگر از ارکان وقوفین و حج می شود ولی اگر از روی اضطرار یا سهو باشد با توجه به آرای فقهای امامیه خلل موجب بطلان نیست ولی از دیدگاه مذاهب، موجب بطلان حج می شود.

ج- رعایت اوقات: از دیدگاه امام خمینی مبدأ وقوف از زوال خورشید است و اگر در هر یک از وقوفین اوقات اختیاری و یا اضطراری اتیان نشود، موجب خلل در ارکان می شود که فروض آن بیان گردید. از دیدگاه حنابله مبدأ وقوف از طلوع فجر روز نهم تا طلوع فجر روز دهم است و دیگر مذاهب مبدأ را از زوال خورشید روز نهم تا طلوع فجر روز دهم می دانند.

د- رعایت کیفیت وقوفین: وقوف در عرفات صرفاً با حضور هر چند کم کفایت می کند و تفاوتی میان راکب، جالس، نائم و بیدار نیست ولی در صورتی که شخص تمام وقت خواب یا بی هوش باشد موجب خلل می شود. برای وقوف، طهارت و وضو شرط نیست. مذاهب در خصوص مقدار وقوف و عدم شرط بودن طهارت با فقهای امامیه توافق دارند.

۴- در صحت وقوف مشعر نیز اتیان چهار شرط لازم است:

الف- داشتن نیت خالص: از دیدگاه فقهای امامیه نیت در وقوف مشعر نیز شرط است ولی فقهای مذاهب وقوف مشعر را رکن حج نمی‌دانند و در صورت ترک عمدتاً یا سهواً نیت خللی به آن وارد نمی‌دانند.

ب- رعایت محل وقوفین: از دیدگاه امامیه در صورت ترک عمدی وقوف اختیاری می‌بایست وقوف اضطراری را درک کند و از دیدگاه امام اگر شخص نسبت به محل علم و اطمینان داشت و پس از وقوف خطا کرد، احتیاطاً نیاز به اعاده حج دارد و حج او تبدیل به عمره می‌شود، ولی از دیدگاه نگارندگان چنین شخصی معذور بوده و خللی از روی عمد نبوده و باتوجه به حدیث رفع آثار غیرعالمانه و خطای او ادعائاً برداشته می‌شود.

ج- رعایت اوقات: از دیدگاه فقهای امامیه مقدار وجوب در وقوف بخشی از بین الطلوعین است و در صورت ترک عمدی و عدم درک وقوف اضطراری موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود. حنفیه در زمان و مقدار وقوف با امامیه اتفاق دارند ولی مذاهب دیگر در زمان وقوف در بخش‌های مختلف شب اختلاف دارند.

د- رعایت کیفیت وقوفین: مشهور امامیه از جمله امام خمینی مبیّت در شب عید را احوط می‌دانند ولی از دیدگاه حنابله و مشهور شافعیه مبیّت واجب است.

ه- از دیدگاه امام خمینی تبعیت از حاکم مخالف در وقوفین واجب است و برای اثبات آن به روایات، سیره مستمره و حفظ وحدت مسلمین استدلال کرده‌اند.

منابع

- ✓ القرآن الکریم
- ✓ ابن انس، مالک. (۱۴۱۸ق) الموطأ، موسسه الرساله.
- ✓ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ✓ ابن تیمیه، تقی الدین أبو العباس (۱۴۰۹ق) شرح العمده فی بیان مناسک الحج والعمرة الرياض: مکتبه الحرمین.
- ✓ ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین. (۱۳۸۸ق) المغنی، مکتبه القاهره.
- ✓ ابن رشد، أبو الولید محمد بن أحمد. (۱۴۲۵ق) بدایة المجتهد ونهایة المقتصد، القاهره: دارالحديث.
- ✓ ابن الجلباب، عبیدالله بن الحسین (۱۴۲۸ق) التفریع فی فقه الإمام مالک بن أنس، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- ✓ ابن عبد البر، أبو عمر یوسف. (۱۴۲۱ق) الاستذکار، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

- ✓ ابن عبد البر، أبو عمرو يوسف . (٤٠٠ق) *الكافي في فقه أهل المدينة*، الرياض: مكتبة الرياض الحديثية، چاپ دوم.
- ✓ امام خميني، سيد روح الله. (٤٢٥ق) *تحرير الوسيلة*، مترجم: اسلامي، علي، قم: انتشارات اسلامي، چاپ بيست ويكم.
- ✓ امام خميني، سيد روح الله. (بي تا) *تحرير الوسيلة*، قم: دارالعلم، چاپ اول.
- ✓ امام خميني، سيد روح الله. (٤٢٢ق) *نجاه العباد*، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ اول.
- ✓ امام خميني، سيد روح الله. (٤٣٤ق) *الخلل في الصلاة (موسوعه)*، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني، چاپ سوم.
- ✓ امام خميني، سيد روح الله. (٤٢٠ق) *الرسائل العشره*، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چاپ اول.
- ✓ امام خميني، روح الله. (٣٨٢ش) *مناسك حج (مطابق با فتاوى امام خميني (س))*، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، چاپ هفتم
- ✓ امام خميني، روح الله. (٣٩٢ش) *استفتائات امام خميني (س) (موسوعه)*، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، چاپ اول.
- ✓ الأنصاري، زين الدين أبو يحيى زكريا. (بي تا) *أسنى المطالب في شرح روض الطالب*، القاهرة: دارالكتاب الاسلامي، چاپ دوم.
- ✓ البهوتي، منصور بن يونس. (بي تا) *كشاف القناع عن متن الإقناع*، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ دوم.
- ✓ بحراني، يوسف بن احمد. (٤٠٥ق) *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم: انتشارات اسلامي، چاپ اول.
- ✓ بهجت، محمد تقى. (٤٢٤ق) *مناسك حج و عمره*، قم: شفق، چاپ سوم.
- ✓ البُجَيْرِمِيّ، سليمان بن محمد. (1369ق) *التجريد لنفع العبيد: حاشية البجيرمي على شرح المنهج*، بي جا: مطبعة الحلبي، چاپ اول.
- ✓ الجزيري، عبدالرحمن بن محمد. (٤٢٤ق) *الفقه على المذاهب الأربعة*، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ دوم.
- ✓ جوهرى، اسماعيل بن حمّاد. (٣٩٩ق)، *تاج اللغة وصحاح العربية*، بيروت: دارالعلم للملايين، چاپ دوم.

- ✓ حرّ عاملي، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق) *تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، قم: آل البيت (ع)، چاپ اول.
- ✓ حلّي، مقداد بن عبدالله سيوری. (بی تا) *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مترجم: بخشایشی، قم: پاساژ قدس، چاپ اول.
- ✓ حموی، یاقوت بن عبدالله. (١٩٩٥م) *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
- ✓ خویی، سیدابوالقاسم. (١٤١٨) *موسوعه الامام الخوئی*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول
- ✓ خویی، سیدابوالقاسم. (١٤١١) *مناسک الحج*، قم: مطبعه مهر، چاپ اول.
- ✓ الدسوقي، محمد بن أحمد. (بی تا) *حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير*، بیروت: دارالفکر.
- ✓ دهخدا، علی اکبر. (١٣٧٧) *لغتنامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ✓ زبیدی، محمد مرتضی. (١٤٠٨ق) *تاج العروس*، الكويت: مطبعه حكومه الكويت.
- ✓ الزیلعی، عثمان بن علی (١٣١٣ق) *تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق و حاشیة الشلبي*، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميریة، چاپ اول.
- ✓ الزحلی، وهبة بن مصطفى. (بی تا) *الفقه الإسلامي وأدلته*، دمشق: دارالفکر، چاپ چهارم.
- ✓ راغب، حسین بن محمد. (١٤١٢ق) *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- ✓ الرملي، شمس الدين محمد بن أبي العباس. (١٤٠٤ق) *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول
- ✓ شبیری زنجانی، سید موسی (١٤٢٧ق) *مناسک زائر*، قم: شهاب الدین، چاپ اول.
- ✓ سید سابق. (١٣٩٧ق) *فقه السنة*، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
- ✓ السرخسی، محمد بن أحمد. (١٤١٤ق) *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفة.
- ✓ الشربینی، شمس الدين محمد. (١٤١٥ق) *معنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ✓ صدر، سید محمد باقر. (١٤٣٤ق) *موسوعه الشهيد السيد محمد باقر الصدر*، قم: دارالصدر، چاپ اول.
- ✓ طباطبایی، محمد حسین. (١٣٧٤ش) *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- ✓ الطریحی، فخرالدین. (١٣٧٥ش) *مجمع البحرين*، تهران: مرتضوی، چاپ چهارم.
- ✓ علامه حلّي، حسن بن یوسف بن مطهر. (١٤١٤ق) *تذکرة الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- ✓ الغزالی، أبو حامد. (١٤١٧ق) *الوسيط فی المذهب*، قاهره: دارالسلام، چاپ اول.

- ✓ فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق) *كشف اللثام عن قواعد الاحكام*، قم: نشر اسلامی.
- ✓ فکری، مسعود. (۱۳۹۳) *فرهنگ اصطلاحات حج و عمره*، تهران: مشعر، چاپ اول.
- ✓ فیاض کابلی، محمد اسحاق. (۱۴۲۶) *مناسک حج*، قم: دفتر حضرت آیه الله، چاپ اول.
- ✓ الکاسانی الحنفی، علاءالدین أبو بکر بن مسعود. (۱۴۰۶ق) *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم.
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق) *کافی*، قم: دارالحديث، چاپ اول.
- ✓ مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن. (۱۴۲۳ق) *توضیح المناسک*، قم: دفتر حضرت آیه الله، چاپ اول.
- ✓ المرادوی، علاءالدین أبو الحسن. (۱۳۷۴ق) *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم.
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق) *مناسک جامع حج*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
- ✓ موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق) *قواعد فقهیه*، تهران: عروج، چاپ سوم.
- ✓ محمدی، علی (بی تا) *شرح تبصره المتعلمین*، بی جا: بی نا
- ✓ منتظری نجف آبادی، حسین علی. (۱۴۲۷ق) *معارف و احکام بانوان*، قم: مبارک، چاپ دوم.
- ✓ موحدی لنگرانی، محمد فاضل. (۱۴۲۳ق) *مناسک حج*، قم: امیر قلم، چاپ دوازدهم.
- ✓ موحدی لنگرانی، محمد فاضل. (۱۳۸۱ش) *اصول فقه شیعه*، تقریرات ملکی اصفهانی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول.
- ✓ نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق) *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: آل البيت (ع)، چاپ اول.
- ✓ النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی. (۱۴۱۲ق) *روضه الطالبین وعمده المفتین*، بیروت: المكتب الإسلامی، چاپ دوم.

Disruption in Devotional Stay with an Approach on Imam Khomeini's Views and Adaptation with Sunni Religions

Mohsen Ismaili^{1*}, Mohammad Ghadrati²

1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Science-University of Tehran, Tehran, Iran
2. PhD Student, Jurisprudence and Fundamentals of Law and Thought of Imam Khomeini (RA)

Abstract

The current study has been written aiming at analyzing and criticizing Imamiyyah jurisprudents' views focusing on Imam Khomeini and Sunni jurisprudents' views on the disruption in devotional stay (Arafat, Mashar) and has investigated disruptions and damages on the components of devotional stay using descriptive-analytical method and library instrument. The research findings shows that according to Imamiyyah Jurisprudence if any disruption damages the intention, time, place and quality of devotional stay, it invalidates devotional stay and finally invalidates hajj considering primary fundamentals, whether the disruption be detraction or addition. But in the case of being exempted, the correctness of devotional stay and hajj won't be disrupted. According to Sunni Jurisprudence also any intentional disruption to the conditions of devotional stay may invalidate Arafat and Mashar, but since Mashar devotion is not organic, it won't invalidate devotional stay and hajj in the case of any intentional or unintentional disruption.

Keywords: disruption, devotion, Arafat, Mashar, Imam Khomeini, sunning religions

*Corresponding Author, Email: esmaeili1344@ut.ac.ir

References

- ✓ The Holy Quran
- ✓ Ibn Anas, Malik (1997), Al-Muwatta, Moasseseh, al-Resaleh. (in Persian)
- ✓ Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1992), Man la yahdurudhu al-Faqih, Qom: Islamic Publications, 2nd edition. (in Persian)

- ✓ Ibn Taymiyyah, Taqi ad-Din Abu al-Abbas (1988), *The Rituals of Hajj and Umrah*, Riyadh: Maktal al-Haramain. (in Persian)
- ✓ Ibn Qudamah, Abu Muhammad Muwaffaq al-Din (1967), *Al-Mughni*, Maktab Al-Ghahereh. (in Persian)
- ✓ Averroes (Ibn Rushd), Abu al-Walid Muhammad Ibn Ahmad (2004), *The Distinguished Jurist's Primer*, Cairo: Dar al-Hadith. (in Persian)
- ✓ Ibn al-Jallab, Ubayd Allah ibn al-Husayn (2007), *Al-Tafri'a fi al-Fiqh Imam Malik Ibn Anas*, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyyah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Ibn Abd al-Barr, Abu Umar al-Yusuf (2000), *Al-Istizkar*, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyyah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Ibn Abd al-Barr, Abu Umar al-Yusuf (1979), *Al-Kafi fi Fiqh Ahl al-Madina*, Riyadh: Maktab riydah al-Hadith, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (2004), *Tahrir al-Wasilah*, translator: Eslami, Ali, Qom: Islamic Publications, 21st edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (no date), *Tahrir al-Wasilah*, Qom: Dar al-Ilm, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (2001), *Nejat al-Ibad*, Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (2013), *Adab as-Salat: The Disciplines of Prayer*, Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 3rd edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (1999), *Al-Rasail al-Ashrah*, Qom: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (2003), *Manasik al-Hajj (According to Imam Khomeini's fatwas)*, Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 7th edition. (in Persian)
- ✓ Imam Khomeini, Sayyad Ruhollah (2013), *imam khomeinin's Istiftaat*, Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Ansari, Zayn ad-Din Abu Yahya Zakariya (no date), *The Way of the Students*, Cairo: Dar al-Ketab al-Islamiyah, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Bahuti, Mansur Ibn Yunus (no date), *Kashshaf al-Qina an Matn al-Iqna*, Beirut: Dar-al-Kutub al-Elmiyyah, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Bahrani, Yusuf Ibn Ahmad (1984), *Al-Hadaiq al-Nazir fi Ahkam al-Itr al-Taher*, Qom: Islamic Publication, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Bahjat, Mohammad-Taghi (2003), *Manasik of Hajj and Umrah*, Qom: Shafagh, 3rd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Bujairimi, Sulaiman Ibn Muhammad (1948), *li-Tajrid li-Naf al-Abid: Hashiyah al-Bujairimi ala Sharh al-Munhaj*: no place: Matba al-Halab, 1st edition. (in Persian)

- ✓ Al-Jaziri, Abd al-Rahman Ibn Muhammad (2003), Islamic jurisprudence According to the Four Sunni Schools, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyyah, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Jawhari, Isma'il Ibn Hammad (1978), Taj al-Lugha wa Sihah al-Arabiya, Beirut: Dar al-Ilm lil Mallain, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Hurr al-Amili, Muhammad Ibn Hassan (1988), Wasa'il al-Shia, Qom: Al al-Bayt, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Hilli, Mighdada Ibn Abdullah Siwari (no date) Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran, translator: Bakhshayeshi, Qom: Ghods Passage, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Hamawi, Yaqut Ibn Abdullah (1995), Mu'jam Al-Buldan, Beirut: Dar Sader, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1997), the Encyclopedia of Imam al-Khoei, Qom: the Institution for Revival of Imam Khoei's Works, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1990), Manasik al-Hajj, Qom: Matba Mehr, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Desuqi, Muhammad Ibn Ahmad (no date), Hashiyah al-Desuqi ala-Sharh al-Kabir, Beirut: Dra al-Fekr. (in Persian)
- ✓ Dehkhoda, Ali Akbar (1998), Dehkhoda Dictionary, Tehran: University of Tehran Publications, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Zabidi, Muhammad al-Murtada (1987), Taj al-Arus, Kuwait: Matba Hukuma al-Kuwait. (in Persian)
- ✓ Al-Zilai, Othman Ibn Ali (1892), Tabin al-Haqaiq Sharh Kanz al-Daqaiq and Hashiyah al-Shalbi, Cairo: al-Matba al-Kubra al-Amiriyah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Zuhayli, Wahba Ibn Mustafa (no date), Islamic Jurisprudence and its Proofs, Damascus: Dar al-Fekr, 4th edition. (in Persian)
- ✓ Raqib, Husayn Ibn Muhammad (1991), Mufradat al-Alfaz al-Quran, Beirut: Dar al-Qalam, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Ramli, Shams al-Din Muhammad Ibn Abi al-Abbas (1983), Nahayat al-Mutaj ila Sharh al-Minhaj, Beirut: Dar al-Fekr, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Shubairi Zanjani, Sayyid Mousa (2006), Manasik of Pilgrim, Qom: Shahab al-Din, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Sayyid Sabiq (1976), Fiqh As-Sunnah, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 3rd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Sarakhsi, Muhammad Ibn Hamad (1993), Al-Mabsoot, Beirut: Dar al-Ma'refat. (in Persian)
- ✓ Al-Shirbini, Shams al-Din Muhammad (1992), Muqni al-Mihtaj ila Marefa Ma'ani Alfaz al-Minhaj, Beirut: Dar al-Kutub Elmiyyah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Sadr, Muhammad Baqir (2013), Musua al-Shahid al-Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr, Qom: Dar al-Sadr, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Tabatabai, Muhammad Husayn (1904, Tafsir al-Mizan, translated by Musa, Qom: Islamic publication, 5th edition. (in Persian)

- ✓ Al-Turayhi, Fakhr al-Din (1906), Majma' al-Bahrayn, Tehran: Mortazavi, 4th edition. Allameh Al-Hilli, Hasan Ibn Yusuf Ibn al-Mutahhar (1993), Tadkirat al-Fuqaha, Qom: Al al-Bayt institution, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Ghazali, Abu Hamid (1996), Al-Wasit fi al-Mazhab, Cairo: Dar al-Islam, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Fazil Hindi, Muhammad Ibn Hasan (1996), Kash al-Le'am an Qawaid al-Ahkam, Qom: Islamic Publication. (in Persian)
- ✓ Fekri, Masood (2014), Dictionary of Hajj and Umrah Expressions, Tehran: Mashar, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Fayyaz Kabuli, Muhammad Is'haq (2005), Manasik of Hajj, Qom: Office of Hazrat Ayatollah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Kasani al-Hanafi, 'Ala al-Din Abu-Bakr Ibn Masud (1985), Bada'i' al-Sana'i', Beirut: Dar al-Kutub Elmiyyah, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Al-Kulayni, Muhammad Ibn Ya'qub (2008), Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Mortazavi Langerudi, Sayyid Muhammad Hasan (2002), Tuzih al-Manasik, Qom: Office of Hazrat Ayatollah, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Al-Mawardi, Ala al-Din Abu al-Hasan (1953), Al-Insaf fi Marefa al-Rajih min al-Khalaf, Beirut: Dar al-Ahya al-Turath al-Arabi. (in Persian)
- ✓ Makarem Shirazi, Nasser (1995), Tafsir Nemooneh, Tehran: Dar al-Kutub Islamiyah, 32nd edition. (in Persian)
- ✓ Makarem Shirazi, Nasser (2005), Comprehensive Manasik of Hajj, Qom: the school of Imam Ali Ibn Abi Talib, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Mousavi Bojnourdi, Sayyid Mohammad Ibn Hasan (1980), Qawaid Faqiha, Tehran: Orouj, 3rd edition. (in Persian)
- ✓ Mohammadi, Ali (no date), Sharh Tabsara al-Mutiallimin, no place: no name. (in Persian)
- ✓ Muntaziri Najafabadi, Husayn Ali (2006), the Education and Rules of Women, Qom: Mubarak, 2nd edition. (in Persian)
- ✓ Muwahidi Lankarani, Muhammad Fazil (2002), Manasik of Hajj, Qom: Amir Ghalam, 12th edition. (in Persian)
- ✓ Muwahidi Lankarani, Muhammad Fazil (2002), Principles of Shia Jurisprudence, Lectures of Maleki Isfahani, Qom: Jurisprudential Center of Aemmeh-ye Athar, 1st edition. (in Persian)
- ✓ Niraqi, Ahmad Ibn Muhammad Mahdi (1994), Collection of Islamic Juridical Rules, Qom: Al al-Bayt, 1st edition. (in Persian)
- ✓ An Nawawi, Abu Zakaria Muhi al-Din Yahya (1991), Rawdat Al Talibin Wa Umdat Al Muftin, Beirut: Al-Maktab Al-Islamiyah, 2nd edition. (in Persian)